

اَسْلَامُ عَلَيَّ كَيْفَ الْوَرِيِّ  
سلام بر پناهگاه مردمان

نشریه اعتقادی، اجتماعی  
هیئت محبین اهل بیت (ع)

اَسْلَامُ عَلَيَّ كَيْفَ الْوَرِيِّ  
سلام بر پناهگاه مردمان

نشریه اعتقادی، اجتماعی  
هیئت محبین اهل بیت (ع)

### زندگی به سبک ایستگاه صلواتی



به مجلس عزای امام حسین (ع) خوش آمدید  
-کوی مردم این روزها از هم سبقت می‌گیرند تا منزلتان لیاقت حسینیه شدن برای مولا را پیدا کند و یک روزی این زمین شهادت دهد آنها نیز با زینب (س) همدردی کرده‌اند.

جای روضه  
سجای روضه در این دهه حکم آب زمزم را دارد. آخر نمیدانی چه اثری دارد وقتی به نیت مولا درست شود.  
سلام بر حسین...  
-توجوان است؛ سعی می‌کند گفته‌های مادرش را این روزها بیشتر پیاده کند.  
چرعه‌ای آب می‌نوشد، سلام بر حسین...  
حداقل این چند روز...

-پیراهن مشکین‌اش را پوشیده؛ خواست اشتباهی نکند، یک لحظه به مشکلی لباسش نگاهی کرد، به خودش نفیبه زد، حواست کجاست؟! حداقل این چند روز سعی کن...  
«من» را می‌گویند...  
-آقای دکتر... مهندس جان... اون پرچم رو می‌بندی؟  
-اخمی می‌کند...  
اینجا همه مفتخر به عنوان خادم‌الحسین‌اند. «من» را می‌گویند تا حسینی شوند.

ایستگاه صلواتی  
-آقا بفرما شربت صلواتی.  
-خانم بفرماید غذای نذری.  
-عجب تبادلی! شربت به شرط صلوات!  
در این ایام معیار و شاغول کارهایمان نگاه و نظر اماممان می‌شود، لذا گناهانمان کمتر می‌شود، کدورت‌ها کمتر پیش می‌آید و نوع دغدغه‌ها تغییر می‌کند. کاش این دهه مبتیاق با امام تبدیل به صده و هزاره شود تا همیشه به سبک حسین (ع) زندگی کنیم.

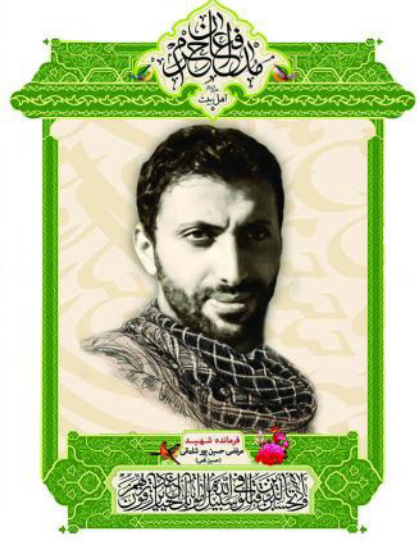
### کلاس های امامت تا اطلاع ثانوی غیر حضوری برگزار می‌شود

ای جماعت! اگر نامه‌ایتان از سر ذوق است بپهوده حسین را مفریبید. بگذارید به حال خودش باشد...  
این صدای سلیمان بن مرد است که با فریادهای «ته بابا»، «این حرفها چیه»، «آستغفرا...» کوفیان در نطقه خفه می‌شود.  
نامه‌ها مهر می‌شوند، جحت‌ها به بلوغ می‌رسند، بلوغ‌ها ازمن می‌شوند. وقتی سردودی آزمون‌ها زیاد شدند کلاس‌های امامت تا اطلاع ثانوی غیر حضوری برگزار می‌شود، اول مهر ظهور که حضور و غیاب نمره پایانی را تعیین می‌کند.  
از کربلا که غیبت کردی، دیگر تمام شد. معرفی به استاد هم نداریم...  
(برگرفته از کتاب «سید من حسینی»)

شناشنامه نشریه:  
صاحب امتیاز | هیئت محبین اهل‌بیت(ع) دانشگاه تربیت مدرس  
مدیر مسئول | محمدعلی حسینیان  
سردبیر | هادی قلی  
طراح و صفحه‌آرا | حمیدرضا کارگر  
هیأت تحریریه | دانشجویان هیئت محبین اهل‌بیت(ع)  
کاتب تلگرافی | @Mohebbin\_TMU

### خلاصه‌ای از زندگی شهید مرتضی حسین پور شلمانی

فرمانده ی شهید محسن حججی



«در عملیات‌های مختلفی در سوریه و عراق شرکت داشت. مسئول عملیات قرارگاه حیدریون بود و در حالی که در گرمای ۵۰ درجه بیابان‌های تدمر روزه بود به شناسایی می‌رفت. آنقدر حضورش موثر بود که سردار سلیمانی وقتی خیر شهادتش را شنید گفت خسارت بزرگی وارد شد کاش به جای او من شهید شده بودم.»  
یتیم و یک «هد سرپرست» را برعهده داشته و از پول کسی که دریافت می‌کرده به آنان می‌داده است. او یک بار زندگی‌اش را حراج کرده تا بتواند شش خواهر دم‌بخت یک دوست را راهی خانه شوهر کند و دست آخر ماشین را می‌فروشد تا یک دوست نیازمندش را سرپناه بدهد و وقتی پدرش از او می‌پرسد خودت چی می‌گویی ماشین که کمبود نیست این همه ماشین عمومی مال ماست دیگر!  
این جوان که کمتر از سه سال از ازدواجش می‌گذرد، تنها فرزندش در راه است و این در حالی است که هیچگاه پدر رشید و دلوروش را نتواند دید.

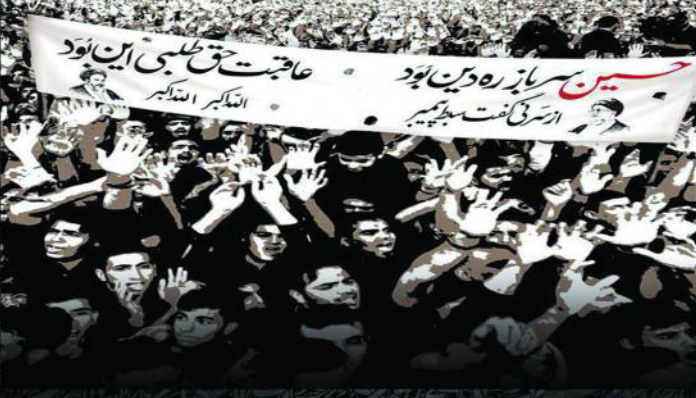
شهید «حسین‌پور»ها و شهید «حججی»ها می‌دانند برای چه می‌روند هم قدر جان والای خویش را می‌دانند و هم معنای خوف و خطر و انفجار و خمپاره را...در واقع این سیف که شهدا برکشیده‌اند برای استوار ماندن دینی است که اگر این سیف نباشند، ماندن‌ها و معابد فرو می‌ریزند و رسم بندگی خدای متعال برمی‌افتد.

### اقامه عدل؛ آرمان میهنی

انقلاب اسلامی با الگو گرفتن از نهضت عاشورا و قیام اابعبد... (ع) به وقوع پیوست و اگر این پشتوانه‌ی عظیم فکری و روحی نبود، انقلاب ما نیز به سرانجام نمی‌رسید. اگر بزرگداشت این واقعه‌ی عظیم در ماه محرم، با عنوان جاودانه‌ی ماه «پیروزی خون بر شمشیر» نبود، اساساً امکان به حرکت درآمدن و قیام توده‌های میلیونی مردم وجود نداشت. از اهداف اصلی و عمدیه امام حسین (ع)، رفع ظلم و جور و اقامه حق و عدل بوده است. همان‌طور که ایشان با استناد به سنت نبوی (ص) فرمودند: «ای مردم! پیامبر خدا (ص) فرمود: هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته، با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده، و در میان بندگان خدا به ستم رفتار می‌کند و او با زبان و کردارش پای او به مخالفت برخیزد، سزاوار است خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر (دوزخ) بپانزده». حرکت و قیام امام حسین (ع)، الگویی جاودان و تیسوری بی‌بدیل از این وظیفه‌ی عمومی مسلمانان در برابر حکام جابر و ستمگر بوده و محدود به زمان خاصی نیست. به عبارتی، اگر کسی کانون فساد و ظلم و را ببیند و بی تفاوت بنشیند، در مقابل قدرتی که فساد می‌پرکند سکوت کند، و در برابر دستگاهی که انسان‌ها را به سمت نابودی و فتنای مادی و معنوی می‌کشاند سر خم کند، نزد خدای متعال، با او هم‌پرواست است. چرا که سکوت، سبب افضای اعمال انسان شده و در نتیجه، سبب اتحاد سرنوشت سکوت کننده با ظالمان و طاغیان می‌گردد. لذا همه باید فریاد کشند و قیام کنند و کاخ بیدادگران را ویران کنند.

بنابراین مبارزه با ظلم، پیام جهانی و جاوداتی کربلای حسینی بوده و این وظیفه همگانی مسلمانان یعنی مبارزه با ظلم و جور تا برچیده شدن همه‌ی مظاهر بیداد و ستم، و اقامه‌ی عدل به معنای واقعی کلمه، ادامه خواهد داشت. در درون نظام اسلامی، اگر بناب اقتداد از مدیران و مسئولان باز نباشد، بیم آن می‌رود که اساس اسلام در خطر افتاده و داستان معاویه تکرار شود. چنان‌که معاویه هنگامی که امام حسین (ع) فسق یزید را بازگو کرد، گفت: تو غیبت می‌کنی! پس همان‌طور که در سایه پیروی از اابعبد... (ع) عزت به دست آورده‌ایم، بقای آن نیز در گرو حسینی بودن و مبارزه با مظاهر ظلم و ستم، و اقامه عدالت اجتماعی است، که با موعظه و نصیحت آغاز شده و اگر لازم شد، تا بذل همه‌ی دارایی‌ها نیز پیش می‌رود. اما علاوه بر پیروی بی‌شائبه از عدل و جامعه اسلامی و نظام دینی، حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان، و ایستادگی در مقابل جرمه‌های ظلم و فساد و کانون‌های کفر و بی‌عدالتی، تا اقصای عدل حقیقی در سرتاسر جهان، وظیفه‌ی حسینی‌تری است که آرمان همه‌ی انبیا و اولیا از جمله حسین بن علی (ع) است. چرا که همه آمده‌اند تا «... مردم به قسط و عدل قیام کنند (حدید-۲۵)». این، آرمان همیشگی همه‌ی حسینی‌های عالم بوده و خواهد بود و تا زمانی که محقق نشده است، از تا نخواهند نشست. البته تحقق کامل و نهایی آن به عدل متقمم خون حسین (ع) است. همان که زمین را از قسط و عدل بر خواهد کرد، آن چنان که از ظلم و جور پر شده بود... و از خدا اینگونه می‌خواهیم که: «... وَاجْعَلْهُ الْيَوْمَ مَقَرًّا لِمَنْظُومٍ يَبْدَأُكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهٗ نَاصِرًا غَيْرَكَ».  
(منابع: ۲۲ سخن شامشورایی / عاشورا؛ ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها) آذرخش کربلا

یادداشت سردبیر



### شهریکار چه جشن بود و سرور...

دروازه‌های شام گشوده بود و بارها به زور و حریر و نیاید زینت شده بود. شهر بگلرچه جشن بود و سرور.  
بانگ نلای فریاد و هلهله به صدای طبل و دف و کوبه در هم آمیخته بود خیزب زط چشپه سره گشوده و دستها را خراب کرده و مهر در رقصندگان با شمشیر، تا بیرون شهر به صف بودند.  
سپاه ایستاد، باژمه‌دگان کاروان را از حرکت باز داشت زینت یکی از برهان سپاه را سوی خود خواند.  
گفت: به فرمانده ات بگو بیاید.  
احضه ای بعد، شمر سوار آمد.  
زینت گفت: ما را از دروازه‌ای عبور دهید که نشانگران کثرتی داره و مره‌های شهپایمان را از ما دور کنید تا این جماعت کمتر به اهل بیت پیامبر نظر کنند.  
شمر بپوشد زد.  
گفت: همین!  
سر اسب چرخد و سوی سپاه رفت.  
مردان سپاه به هجوم آمدند و باژمه‌دگان کاروان را به صف کردند.  
یکی رسول آزره، دیگری تارکانه کشید.  
سرها دیوار بر نی شد و سپاه ظلمت و طغیان و بیدادگری، به شای طهله کردند و فریاد پیروزی سر دادند.  
از سر بالای، تیغ فرات نگره و تاره بر دست مرد نیزه دار فرو می‌افتاد.  
مرد دست در غنقت بود و هیچ نمی‌فهمید.  
سرها شهپان را میان باره‌دگان برافروختند و به ضرب تارکانه آنان را حرکت دادند، دف زدن بر دف کوبیدند و رقصندگان لودگی کردند و شامیان گل کشیدند.  
به شای طهله کردند و فریاد پیروزی سر دادند.  
شامیان تر ندای و شمع پای کوبان رقصیدند و آنان را نشان کردند.  
باره‌دگان کاروان، در زیر نگاه سنگین شامیان، سر به زیر افکندند و نگاه از آنان گرفتند.  
شمر اسب تخت و خود را به زینت رساند.  
گفت: عبور از مسیری خلوت، ظلم در حق خلیفه و این جماعت بود.  
و سپس آورد شد.  
مردمن تخت زان و پای کوبان و هلهله کنان، باره‌دگان را تا نخ بیض همراه بودند.  
هنگام ورود به نخ بیض.  
سید العاجدین دست تر زنجیر داشت، پیروزی ندان خود را به او رساند.  
گفت: حنده و سپاس می‌گویم خدایی که مردان شما را آزاد کرد و شهپرها به اسبابش در آمدند.  
و خلیفه بر شما مسلط شد.

یادداشت سردبیر



در روز طف (کرپلا) بر پشت مبارک حسین بن علی اثر چیزی دیده شد. درباره آن از زین العابدین (ع) پرسیدند، فرمود: اثر کیهنهایی است که بر پشت خود می نهاد و به خانه های زنان بی سرپرست و یتیمان و مستمندان می برد.



اَسْلَامُ عَلٰی كَيْفِ الْوَرِيِّ  
سلام بر پناهگاه مردمان

نشریه اعتقادی، اجتماعی  
هیئت محبین اهل بیت (ع)

### لُبِّ اِنْتِظَارِ مَا...

عدالت خواهی لب انتظار از تو نبویان است. (در بر سحر مکتب)

در منظومه فکری امام و رهبری، از مستضعفین، پاره‌نهادها و محرومین با عناوینی مثل وارثان حکومت اسلامی، ولی نعمتان انقلاب، صاحبان انقلاب و... یاد شده است. با نگاه به جملات امام مثل: عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود ندارد، یا به مستضعفان و مستمندان و زاغه نشینان که ولی نعمت ما هستند خدمت کنید و آنها را صاحبان اصلی انقلاب بدانید، خیلی از اولویت‌های ما عوض می‌شود و می‌توان کاسه‌ی چه کنیم؟ را کنار گذاشت و از سؤال همیشه «اولویت ما در چیست؟» نجات پیدا کرد.

بنا بر حدیث پیغمبر (ص)، مؤمنان در شأن همچون دانه‌های شانه با هم برابرند. تا جایی که مقام معظم رهبری هدف جامعه اسلامی را تحقق عدالت اجتماعی می‌دانند: «هدف جمهوری اسلامی، تأمین عدالت در جامعه است. میباید کسانیکه در گوشه و کنار کشور پیدا شوند و تصور کنند که هدف ما عبارت است از افزایش حجم ثروت مادی؛ یعنی عده ای از انواع و اقسام راه‌های تولید ثروت برخوردار شوند؛ دیگران هم هر طور زندگی کردند، کردند»

در نگاه امام (ره) بی‌تفاوتی جایی ندارد تا جایی که در صحبتی به حدیث رسول خدا (ص) استناد می‌کنند که: «آنهایی که اسلام را خلاصه می‌کنند در اینکه بخورند و بخواهند و یک نمازی بخوانند و یک روزهای بگیرند و در گرفتاری این امت و جامعه دخالت نکنند، به حساب روایت رسول اکرم مسلم نیستند. تفاوت اسلام ناب با اسلام آمریکایی در همین است. اسلام بی‌تفاوت در زمان شاه و قبل از انقلاب هم وجود داشت.

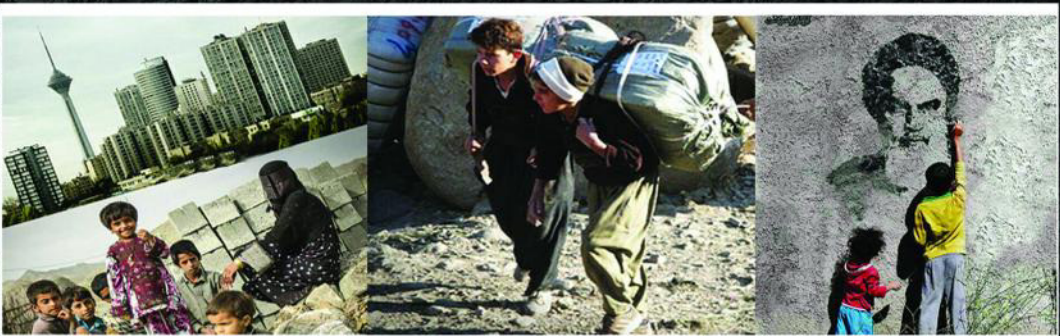
قرار است انقلاب ما پناه غریبان و مستضعفان باشد. قرار نبود عده‌های شلاق بر کارگراها بکوبند، قرار نبود در سرمای تهران کسی بیرون بماند، قرار نبود کسی از سیری مریض شود، در حالیکه عرق شرم پدري با دست‌های خالی‌اش روزی خانواده‌ای باشد.

قرار نبود عدالت در بین ما گم شود، قرار نبود فیش‌های حقوقی اقدر با هم تفاوت داشته باشند. هم بچه‌های کارگران معدن و هم بچه‌های نجومی بگیران، هر دو آسایش و رفاه می‌خواهند.

گاهی بر ایمانمان می‌لرزیم. بی‌تعارف مسلمانیمان رنگ حسینی و علوی ندارد. اسلام انقلاب ما و اسلام خمینی، اسلام حسینی است. اسلام مبارزه و فریاد بر ظلم.

بباید خود را گول نزنیم، مبارزه با فقر را نهایتاً به کمک به فقیر تقلیل ندهیم و خود را تیره نکنیم...  
بباید مثل حسین انقلابی بمانیم و از راه او بپرندیم. ندای حسین در منا به گوش می‌رسد که:

«ای مردم، بزرگان، عبرت بگیرید که موعظه‌هایی که خداوند به دوستان خود در قرآن می‌فرماید. اگر شما خود را اولیای خدا می‌دانید، و اگر دیندارید و مخاطب قرآن هستید، پس بی‌تفاوت نمانید و احساس تکلیف کنید! آیا ندیده‌اید که خداوند چند بار در قرآن به روحانیون مسیحی و یهودی به شدت حمله فرموده و آنها را توبیخ کرده است که چرا مردان خدا در جامعه و حکومت بی‌عدالتی و فساد دیدند و سکوت کردند؟ چرا اعتراض و انتقاد نکردند؟ و فریاد نکشیدند؟ علت آن، این است که عده‌ای طمع سفره دارند و سفره‌ی جرب می‌خواهند تا بخورند و می‌گویند که چرا خودمان را به زحمت بیندازیم و با نهی از منکر و انتقاد و اعتراض ریسک کنیم؟ فعلاً که بساطمان رو به راه است و عده‌ای از شما نیز می‌ترسید. اما مگر در قرآن نمی‌خوانید که فرمود از مردم نترسید از حاکمان و صاحبان قدرت و ثروت نیز نترسید از من ترسید! آیا شما این‌ها را ندیده‌اید؟ آیا سوره‌ی توبه را نخوانده‌اید که می‌گوید زنان و مردان مؤمن نسبت به یکدیگر ولایت اجتماعی دارند و حق دارند در کار یکدیگر دخالت بکنند... ترسید! دنبال دنیا نباشید! سوچران نباشید! اما مهربان باشید که شما اهل همین یک تکلیف هم نیستید. ولی من هستم. امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام و دین است منتها دعوت زبانی تنها نه، صرفاً اینکه ای مردم بباید و مسلمان شوید... و نه صرفاً گفتن اینکه عدالت خوب است و ظلم بد است یعنی در برابر ظلم و ستمهایی که شده، ایستادن و آنها را عقب زدن و جبران بی‌عدالتی‌ها، وظیفه عملی شماست. باید درگیر شوید و با ستمگران، چشم در چشم بایستید و بگویید: نه! باید انتقاد و اعتراض کنید و یقه‌شان را بگیرید. تقسیم عادلانه بیت‌المال و اموال عمومی و توزیع عادلانه ثروت حکم خداست. گرفتن مالیات از ثروتمندان و هزینه کردن آن به نفع فقرا، ادامه همان تکلیف است... باید خونمان را به صورت این خواب زده‌ها پاشیم تا بیدار شوند. (قسمت‌هایی از خطبه منا حسین بن علی (ع)، ترجمه حسن رحیم‌پور ازغدی)»



امام حسین (ع): بار خدایا! تو می‌دانی که آن چه از ما اظهار شده برای رقابت در قدرت و دستیابی به کالای دنیا نیست، بلکه هدف ما این است که نشانه‌های دینت را به جای خود برگردانیم. و بلاد را اصلاح نماییم تا مستمیدگان از بندگانت امنیت یابند و به واجبات و سنت‌ها و دستورهای دینت عمل شود.



اَسْلَامُ عَلٰی كَيْفِ الْوَرِيِّ  
سلام بر پناهگاه مردمان

نشریه اعتقادی، اجتماعی  
هیئت محبین اهل بیت (ع)

### آیاتا به حال بر حسین (ع) گریه کرده ایم؟

«کسی که یادی از حضرت حسین بن علی (ع) نزدش بشود و از چشمش به مقدار پال مگسی اشک خارج شود، اجر او بر خدا است و حق تعالی به کثرت از بهشت برای او راضی نیست.» امام صادق (ع)

چرا باید برای عملی مثل گریه کردن، انقدر ثواب نوشته شود؟ در صورتی که در اسلام و دستورات اسلام ایمانی که منجر به عمل بشود اصالت دارد، و هر کس در گرو آن چیزی است که پیش فرستاده است. عباراتی مثل «فمن عمل مثقال ذره خیره یره و من يعمل مثقال ذره شر یره» این اصل را می‌گوید که اینجا همه چیز حساب کتاب دارد و دقیق حساب می‌شود و از بخورد فله‌ای و بدون قانون خبری نیست.

پس این اشک چیست و چه تفاوتی با اشک‌های دیگر دارد که با اقتادن قطره‌ای از آن گناهان شسته می‌شود؟ جواب در صحبت امام (ره) هست که می‌گویند این اشک، اشک سیاسی-عبادی است و ما ملت گریه سیاسی.

این اشک‌ها سیل جریان می‌دهند و خرد می‌کنند سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده باشند.

این اشک‌ها طریقت دارد برای رسیدن به هدف. اشک بر سیدالشهدا باید ما را حسینی‌تر کند و مجاهده‌ی در راه اسلام را که او و یارانش در راه آن فنا شدند را به ما نشان دهد تا بفهمیم و به مردم بفهمانیم. اگر اشک‌ها انسان‌ساز نباشد ذره‌ای نمی‌آرزد... شهید مطهری: اگر گریه بر حسین تو را به عمل کشاند، بدان بر حسین گریه کرده‌ای و الا نه.

### تکرار می‌شویم

تکرار می‌شویم و به تکرار می‌رویم  
انکار اگر کنند به اصرار می‌رویم

این بانگ کیست: «کیست مرا یآوری کند»  
وقت حماسه است و غزل‌وار می‌رویم

ما کمتریم خوب؛ ولی، کم که نیستیم  
بسیار می‌شویم و چه بسیار می‌رویم

این قصه نیست، حوصله کن، شرح می‌دهم  
ما با کفن به عرصهٔ بیکار می‌رویم

صد بار اگر که مردن‌مان در رکاب تو  
هر بار با تو باشد، هر بار می‌رویم

هر جا که حق شهید شود خاک کربلاست  
شمشیری آورد میاتمار می‌رویم

ما خواب دیده‌ایم که پرواز می‌کنیم  
تا صبح‌گاه دولت بیدار می‌رویم

چون شعر، با تلاطم امواج واژه‌ها  
در بحر انتظار سبکبار می‌رویم

احسان کاوه



### تور از نیر خا شوریانی است...

«صحرای بلا به وسعت تاریخ است و کار به یک یا لیستی کنت معکم ختم نمی‌شود. اگر مرد میدان صداقتی، نیک در خویش بگیرد که تو رانیز با مرگ انسی این گونه است یا خیر. اگر هست که هیچ تو نیز از قبله دارن دایره طوافی و اگر نه... دیگر به جای آنکه با زبان زیارت عاشورا بخوانی، در خیال اصحاب آخرالزمانی حسین با دل به زیارت عاشورا برو.»

با خودم فکر می‌کردم چرا زبانتی که تنها برای رفع مشکلاتمان و یا برآورده شدن حاجت و در فضای غم و غصه با آن انس گرفته ایم، تأکید بر خواندنش به صورت مداوم و حتی در مراسم‌های سرور و شادی شیعه همچون نیمه شعبان شده است؟ در دل این زیارت چه چیزی نهفته است که بر آن اینقدر تأکید شده است؟ ذهنم درگیر این سؤال بود که به این فراز از زیارت رسیدم:

اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد... ای یوم التقیامه

انگار جواب سوالم در این بخش از زیارت عاشورا نهفته است که لمن و نفرین را بر قوم ظلم کننده به پیامبر و اهل بیتش تا روز قیامت وسعت می‌بخشد

و در واقع، افرادی که در این زیارت نام برده شده فارغ از اینکه یکسری اشخاص هستند دارای یکسری خطوط فکری هستند که باید شناخت و رصد کرد و با آن‌ها در زمان کنونی مبارزه کرد.

امروز اگر کمی به اطرافمان دقت کنیم مصداق‌های عینی این فراز زیارت را مشاهده می‌کنیم.

آیا سکوت سازمان ملل منجی عالم بشریت!!! در قبال فجایعی از قبیل مهاجرت، کشتار و قتل عام مردم میانمار از جمله ظلم‌های آشکار عصر ما نیست؟ شمر عصر ما کسی است که با هر دو پا بر روی پیکر کودکی می‌رود. بزید کسی است که انسان‌ها را زنده زنده می‌سوزاند. این زیاد دولتمردانی هستند که چشم خود را بسته اند و از فضایل بوداییان می‌گویند ...

آیا دریافت جایزه صلح توسط کسی که در قبال ظلم‌های آشکار بر برخی از هم‌وطنانش روند بی‌خیالی را پیش گرفته است غم‌انگیز نیست؟ وقایع میانمار تکرار مجدد ظلمی است که مشابه آن در یمن و فلسطین و عراق و... اتفاق افتاده است.

اینجاست که به خود می‌آیم و با خود عهد می‌بندم که زیارت عاشورای من وقتی در زندگی جاری و جاری می‌شود که با مصداق کنونی اتی سلم لمن

